

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی **رهیافت**

سال پانزدهم، شماره ۵۴، بهار ۱۴۰۰
صفحه ۲۲۳ تا ۲۴۴

بررسی مقایسه‌ای مشارکت سیاسی مردم شهر کاشمر در انتخابات مجلس

شورای اسلامی و شورای شهر

محمد لعل علیزاده / استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران m_lalalizadeh@yahoo.com
مهدی دلیری نیا / فارغ التحصیل کارشناسی ارشد dalirinia65m@gmail.com

چکیده

مشارکت یا عدم مشارکت شهروندان یکی از مهمترین معیارهای مشروعیت نظام سیاسی هر جامعه تلقی می‌شود. مشارکت سیاسی تحت تأثیر عوامل مختلف است. این پژوهش به دنبال بررسی مقایسه‌ای مشارکت سیاسی مردم شهر کاشمر در انتخابات مجلس شورای اسلامی و شورای شهر تا سال ۱۳۹۶ می‌باشد. وجود تفاوت میان مشارکت سیاسی مردم شهر کاشمر در انتخابات مجلس شورای اسلامی و شورای شهر، فرضیه پژوهش است. پژوهش حاضر از نوع توصیفی - پیمایشی است و جمع آوری داده‌ها به دو روش کمی و کیفی صورت گرفته است. به استناد داده‌های توصیفی و نظری و با بهره‌گیری از مدل نظری ترکیبی، فرضیه موصوف مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. سپس فرضیات با استفاده از پرسشنامه و نرم‌افزار spss نسخه ۱۸ آزمون گردید. مقایسه بر اساس دو محور احزاب و هویت محلی و قومی و پرسش‌های مرتبط با این محورها و شاخص‌های آن‌ها صورت گرفت. بین مدل نظری با توصیفات آماری پیوند برقرار گردید. شواهد پژوهش حاکی از آن است مشارکت سیاسی مردم شهر کاشمر در انتخابات مجلس شورای اسلامی تحت تأثیر احزاب و انتخابات شورای شهر تحت تأثیر مسائل قومی و روابط قبیله‌گی و محلی است.

کلیدواژه: مشارکت سیاسی، انتخابات، احزاب سیاسی، مسائل قومی، کاشمر.

تاریخ تأیید ۱۳۹۹/۹/۱۲

تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۶/۲۰

۱. مقدمه

مشارکت سیاسی برای هر نظام سیاسی دارای آثار و پیامدهایی است، ثبات و کارآمدی هر نظام سیاسی همواره نیازمند تأیید و به رسمیت شناختن از سوی مردم است. زیرا مردم در همه نظام‌های سیاسی نقش اول را در ثبات و کارآمدن نظام خویش ایفا می‌کنند. مشارکت سیاسی یکی از مصادیق حضور مردم در تعیین سرنوشت خود است. یکی از اساسی‌ترین صورت‌های روابط اجتماعی بوده و به عنوان یکی از محورهای موضوعی در جامعه‌شناسی تلقی شده است. دایره‌المعارف‌های بین‌المللی علوم اجتماعی، مشارکت سیاسی را فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاست‌گذاری عمومی تعریف کرده‌اند (مصفا، ۱۳۷۵: ۱۹). مشارکت سیاسی یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم علم سیاست در عصر حاضر است و در اشکال مختلف در نظام‌های سیاسی تجلی می‌یابد. تفاوت اشکال مشارکت سیاسی در داخل یک نظام سیاسی و در انواع مختلف انتخابات نیز مشاهده می‌گردد. نمونه‌هایی از اشکال نهادینه مشارکت سیاسی در قالب احزاب سیاسی و نمونه‌هایی از اشکال غیرنهادی مشارکت سیاسی در قالب هویت‌های محلی و قومی قابل بررسی است. در زمینه تفاوت نقش احزاب سیاسی و نقش هویت‌های محلی و قومی و علت تفاوت نقش آفرینی این نوع مشارکت سیاسی در انتخابات خلاءهای پژوهشی وجود دارد. در راستای این خلاء پژوهشی، بررسی تفاوت مشارکت سیاسی در یک شهر (کاشمر) در دو انتخابات مبنای بررسی این پژوهش قرار گرفت. مشارکت سیاسی در شکل انتخابات در دو انتخابات مجلس شورای اسلامی و شورای شهر دارای تفاوت اشکال نهادین و غیرنهادی است. تفاوت مشارکت کنندگان و شیوه‌های تبلیغات در انتخابات مجلس شورای اسلامی و شورای شهر کاشمر با شواهد نشان داده خواهد شد و چرایی تفاوت با توجه به فعال شدن اشکال نهادی مشارکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی (در قالب احزاب) و اشکال غیرنهادی در انتخابات شورای شهر (در قالب روابط خویشاوندی، هویت‌های محلی و قومی) تبیین خواهد شد.

۱. پیشینه پژوهش

مطالعه رفتار انتخاباتی در ایران سابقه طولانی ندارد و به دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی محدود می‌شود. در دوره اولیه انقلاب، در شرایط انقلابی دهه ۶۰ و شرایط ناشی از انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه‌ها و جنگ، توجه خاصی به مطالعه در حوزه رفتار رأی‌دهی نشد و تنها از نیمه دوم دهه ۱۳۷۰ و به خصوص

از دهه ۱۳۸۰ با تشکیل مراکزی چون مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران (ایسپا) و پژوهشکده‌های مطالعاتی برخی پژوهش‌ها در این حوزه صورت گرفت که بخش از آنها نیز به دلایل اداری و محدودیت دسترسی قابل استفاده برای همه پژوهشگران نمی باشد.

با بررسی ادبیات پژوهشی درباره تفاوت مشارکت سیاسی در انتخابات مجلس شورای اسلامی و شورای شهر از منظر مشارکت کنندگان، تعدد آثار درخصوص انتخابات مجلس شورای اسلامی یا شورای شهر و بدون بررسی تفاوت این دو انتخابات قابل مشاهده است. بررسی رابطه تحصیلات، فرهنگ سیاسی و مشارکت انتخاباتی (صالح آبادی، ۱۳۹۹)، تحلیل رفتار انتخاباتی ایرانیان با تاکید بر شهر یا منطقه خاص و یکی از انتخابات ایران با تاکید بر نقش احزاب، شخصیت‌های محلی و مشخصات تحصیلاتی و بدون در نظر گرفتن مقایسه دو انتخابات متفاوت (بابی لاشکی و پیشگاهی فرد، ۱۳۸۸) در مطالعه ادبیات مرتبط با موضوع حاضر قابل مشاهده است. بررسی رابطه بین مولفه‌های عینی و ذهنی قومیت با توسعه مشارکت سیاسی در شرق استان گلستان و با تاکید بر انتخابات مجلس (عرب و امیرمضاهری، ۱۳۹۶) از منظر بررسی رابطه اقوام مختلف و مشارکت سیاسی مرتبط با بخشی از این مقاله است اما به دلیل عدم کار مقایسه‌ای و تفاوت منطقه‌ای و بازه زمانی کاملاً از این پژوهش متمایز می گردد. بنابراین به دلیل عدم ارتباط پژوهش‌های موصوف، از ذکر آثار مرتبط با مشارکت سیاسی این دو انتخابات به صورت مستقل صرف نظر شد.

در حوزه پژوهش‌های خارجی ادبیات زیر در خصوص عوامل موثر بر میزان مشارکت سیاسی و تفاوت مشارکت سیاسی در مناطق شهری و روستایی تا حدودی مرتبط به مباحث نظری این مقاله قابل بررسی است.

به نظر هانتینگتون از میان عوامل منزلتی، میزان تحصیلات فرد بیشترین تأثیر را بر مشارکت سیاسی دارد. عامل دوم، مجاری سازمانی، یعنی عضویت فرد در انواع گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی مانند اتحادیه‌های شغلی و صنفی، گروه‌های مدافع، علایق خاص و غیره است که احتمال مشارکت در فعالیت سیاسی و اجتماعی را بیشتر می کند. همچنین بین گسترش فرصت‌های تحرک اجتماعی فردی و مشارکت سیاسی در کوتاه مدت رابطه معکوس وجود دارد و چنانچه افرادی بتوانند با استفاده از بالا بردن سطح تحصیلات، انتقال به شغل پرمنزلیت تر یا کسب درآمد بیشتر به اهداف مورد نظر خود که همان بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود است، دست یابند، معمولاً از مشارکت در سیاست و فعالیت اجتماعی صرف نظر می نمایند (ربیعی، ۱۳۸۰: ۷۵-۷۴).

نتایج تحقیقات لیپست (۱۹۶۳ و ۱۹۵۹) در خصوص فعالیت‌های سیاسی کشورهای آلمان، سوئد، نروژ و فنلاند و ... اشاره کرد. نتایج تحقیق وی نشان می‌دهد که تفاوت‌های شهری و روستایی در برخی مشارکت‌های سیاسی مانند انتخابات وجود دارد، ولی شامل برخی دیگر نمی‌شود. در کشورهایی که دارای سنت‌های قدیمی رهبری جمعی هستند، مشارکت در مناطق روستایی بیش از مناطق شهری است. لیپست به این نتیجه می‌رسد که الگوی مشارکت سیاسی در مورد شرکت در انتخابات در کشورهای مختلف یکسان است. مردان بیش از زنان، تحصیل کرده‌ها بیش از افراد کمتر آموزش دیده، شهرنشینان بیش از روستاییان، افراد میانسال بیش از جوانان و کهنسالان، متأهلین بیش از مجردین، افراد دارای منزلت بالا بیش از افراد دارای منزلت پایین و افرادی که عضو سازمان هستند، بیش از افرادی که عضویت ندارند، در انتخابات شرکت می‌کنند (لیپست، دوز، ۱۳۷۳: ۴۱۸).

رابرت دال نشان داد که هرچه میزان تحصیلات افراد بالا می‌رود، میزان احساس اثر بخشی سیاسی آنان نیز افزایش می‌یابد و بدین ترتیب، میزان تحصیلات، به طور غیرمستقیم هم در مشارکت سیاسی اثر می‌گذارد. همچنین میزان تحصیلات در میزان دسترسی افراد به اطلاعات اثر می‌گذارد و این امر، زمینه مساعدتری برای مشارکت سیاسی ایجاد می‌نماید. موقعیت گروهی افراد نیز از عوامل مؤثر در مشارکت سیاسی است. این موقعیت‌ها که شامل گروه‌های دوستی، خانوادگی، حرفه‌ای و ... می‌شود، شبکه روابط نسبتاً پایداری را می‌سازد که در شکل دادن به نگرش و رفتار سیاسی افراد نقش مهمی بازی می‌کند. در این دیدگاه، انسان‌ها اساساً ساخته و پرداخته گروه‌هایی تلقی می‌شوند که در آن زندگی می‌کنند این عوامل از سه طریق عمده، یعنی تقلید، آموزش و انگیزش، در سراسر زندگی فرد عمل می‌کند. این عوامل و راهها، موجب تغییر در سرندهای ادراکی معرفت و ارزش‌های یک فرد می‌شود. مایکل راش عقیده دارد که شواهد فراوانی وجود دارد که مشارکت سیاسی در تمام سطوح، بر اساس پایگاه اقتصادی، اجتماعی، تحصیلات، شغل، جنسیت، سن، مذهب، قومیت، منطقه و مکان سکونت، شخصیت، محیط سیاسی یا زمینه‌ای که مشارکت در آن اتفاق می‌افتد، متفاوت است (راش، ۱۳۷۷: ۱۳۳).

برادول، جنسیت، منطقه سکونت، سن، تحصیلات، درآمد، نژاد، قومیت و دین را بر میزان مشارکت مؤثر می‌داند و بر مبنای تحقیقات خود، در پاسخ به این سؤال که چرا مردم

در امر سیاسی مشارکت می‌کنند. عواملی همچون: منافع شخصی، نیازهای روانشناختی و اهداف زندگی شخصی تهدید روانشناختی و فقدان مهارت در انجام فعالیت‌ها سیاسی مؤثر می‌دانند (پرجمی، ۱۳۸۶: ۴۱). به باور برخی جامعه‌شناسان، تأکید بر متغیرهای درآمد، شغل، تحصیلات و مجموع شاخص‌های پایگاه اقتصادی و اجتماعی با شهرنشینی، عضویت سازمانی مؤثر در میزان مشارکت سیاسی افراد گویای آن است که سواد یکی از متغیرهای بسیار قدرتمند و مؤثر بر میزان مشارکت است (بارکان، ۱۹۹۹: ۶۶). تحقیقات لایگلی نشان می‌دهد که داشتن دوستان فعال در امور سیاسی موجب افزایش احتمال مشارکت خود افراد می‌شود. وی نتیجه می‌گیرد از آنجا که بحث کردن با دوستانی که به سیاست علاقمند هستند یا به فعالیت سیاسی می‌پردازند، می‌تواند به یادگیری فرد در امور سیاسی کمک کند، تعامل اجتماعی، افراد را در معرض اطلاعات قرار می‌دهد و به آنان کمک می‌کند تا زبان کارکردهای سیاست و مشارکت در فعالیت‌های سیاسی را یاد بگیرند و اینکه این مهم موجب تسهیل مشارکت سیاسی آنها شده است (مک کلارگ، ۲۰۰۱).

این پژوهش‌ها بیشتر به عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی و تفاوت میزان مشارکت سیاسی به طور کلی متمرکز می‌باشند. از جنبه بررسی کلی تفاوت مشارکت سیاسی به این مقاله ارتباط پیدا می‌کنند و از جنبه عدم بررسی و عدم پرداختن به تفاوت انتخابات مجلس و انتخابات محلی از موضوع این پژوهش متمایز می‌گردند.

۲. ملاحظات مفهومی و نظری و تبیین شاخص‌ها

۲-۱. مشارکت سیاسی

یکی از مقوله‌های اساسی برای حفظ نظم و ثبات نظام سیاسی هر دولت و ملت، حضور و مشارکت مردم در عرصه‌های مختلف سیاسی است (رضایی، آذین و جعفری نژاد، ۱۳۹۶: ۱۰۱). مشارکت سیاسی می‌تواند در دو سطح توده (مانند شرکت در انتخابات، عضویت در احزاب و انجمن‌ها و تجربه‌های اجتماعی) و نخبگان (حضور در مجلس، قوه مجریه و داشتن مناصب عالی) معنا می‌یابد (کاظمی پور، ۱۳۸۳: ۲۱۷). رأی دادن مؤثرترین و عملی‌ترین وسیله برای شهروندان است تا افکار و عقاید خود را در اداره امور عمومی و اجتماعی اعمال کنند. رأی‌گیری در واقع یک نوع سازوکار اجتماعی برای گردآوری و تشخیص گزینه‌ها و ارجحیت‌های اجتماعی است. اساسی‌ترین عملکرد مشارکت رأی‌دهی فرصت دادن برای جانشینی و انتقال مناصب و مسئولیت‌ها در جامعه است (سید امامی، ۱۳۸۶: ۶).

سیلز مشارکت سیاسی را فعالیت ارادی می‌داند که از طریق آن، اعضای جامعه مستقیم یا غیرمستقیم در انتخاب حاکمان و در شکل دادن به سیاست عمومی سهیم می‌شوند (سیلز، ۱۹۶۹: ۵۲). مک کلاسیکی مشارکت سیاسی را آن دسته از کنش‌های داوطلبانه‌ای می‌خواند که از طریق آن «اعضای یک جامعه در گزینش حاکمان و به طور مستقیم و غیر مستقیم در شکل‌گیری سیاست‌های عمومی سهیم می‌شوند» (McClosky, 1968:249). بنابراین مشارکت سیاسی مجموعه‌ای از فعالیت‌های داوطلبانه افراد جامعه است که این فعالیت‌ها بر انتخاب حاکمان و تصمیم‌گیری‌ها آنها تأثیر می‌گذارد و دامنه این فعالیت‌ها از عدم درگیری تا پذیرش نقش سیاسی را در بر می‌گیرد (ابراهیمی کیایی، ابراهیمی و بابازاده بانی، ۱۳۹۷: ۱۱).

۲-۲. مشارکت سیاسی و هویت حزبی و هویت محلی و قومی

هانتینگتون و نلسون^۱ مشارکت سیاسی را از عوامل اصلی توسعه سیاسی می‌دانند. آنان مشارکت سیاسی را تحت تأثیر دو عامل نگرش و اولویت‌های نخبگان سیاسی و وضع گروه‌ها و انجمن‌ها و نهادهای اجتماعی واسطه در خود جامعه می‌دانند و معتقدند که فرایند توسعه اقتصادی و اجتماعی از طریق دو مجرا می‌تواند سرانجام به گسترش مشارکت سیاسی و اجتماعی بیانجامد:

الف. مجرای تحرک اجتماعی به این معنی که کسب منزلت‌های بالاتر اجتماعی به نوبه خود در فرد احساس توانایی و نگرش‌های معطوف به توانایی و تأثیر نهادن بر تصمیم‌گیری‌های دستگاه‌های عمومی را ایجاد می‌کند و این عوامل ذهنی در مجموع می‌تواند مشوق مشارکت در سیاست و فعالیت‌های اجتماعی باشد. در این حالت منزلت اجتماعی بالاتر و احساس توانایی و مؤثر بودن از نظر سیاسی به عنوان متغیرهای میانی، مشوق مشارکت اجتماعی و سیاسی می‌شود. به نظر این دو نویسنده، از میان متغیرهای منزلتی، میزان سواد یا تحصیلات فرد بیشترین تأثیر را بر مشارکت سیاسی دارد.

ب. مجرای سازمانی یعنی عضویت و مشارکت فعال در انواع گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی (اتحادیه‌های شغلی و صنفی، گروه‌های مدافع علائق خاص و نظایر آن‌ها) است که احتمال مشارکت در فعالیت اجتماعی و سیاسی را بیشتر می‌کند. این عوامل در جوامعی که فرصت‌های تحرک فردی در آن‌ها محدودتر است، اهمیت بیشتری دارد زیرا همان‌طور

۱. Huntington & Nelson

که گفته شد فرد برای رسیدن به وضع اجتماعی و اقتصادی بهتر به عنوان آخرین راه حل به فعالیت در سازمان های اجتماعی یا احزاب سیاسی می پردازد اما به طور کلی دخالت در فعالیت سازمان ها در تبیین تفاوت سطوح مشارکت سیاسی، از منزلت اجتماعی - اقتصادی مهم تر است (رضایی، ۱۳۷۵: ۵۴).

ورباکنت، سطوح مختلف مشارکت سیاسی را شامل شهروندان غیرفعال (مشارکت سیاسی غیرفعال)، مشارکت کنندگان محدود، فعالان عمومی، متخصصین رأی دهنده، فعالان کامل و فعالان مبارزات انتخاباتی می داند. (ورباکنت ۱، ۱۹۷۹: ۱۲۷).

در روند تحول در الگوهای زندگی، پدیده مشارکت سیاسی به معنای فرصت های پرداختن شمار زیادی از شهروندان به امور سیاسی و به عنوان نقطه تلاقی ساختار فرهنگی و سیاسی در هر جامعه ای است. در حقیقت اندیشه مشارکت سیاسی عبارت است از درگیر شدن توده های مردم در فعالیت سیاسی و تعیین سرنوشت خود و تنها از این رهگذر است که زمینه های ثبات و پایداری نظام سیاسی تحقق می یابد. (آبرامسون ۲، ۱۳۸۳: ۱۲۴۱).

احزاب به پنج شیوه، مشارکت سیاسی، مشروعیت نظام حکومتی، یکپارچگی و انسجام ملی، احزاب و مدیریت منازعات و جامعه پذیری سیاسی قادرند موجبات توسعه سیاسی و امنیت ملی کشورها را فراهم آورند. روبرت سن، در تعریف مشارکت سیاسی گفته است: "میزانی که شهروندان، از حقوق دموکراتیک عادی خود مبنی بر پرداختن به آن دسته از فعالیت های سیاسی که در قانون تعیین شده، استفاده می کنند. (روبرت سن، ۱۹۸۸: ۲۶۹)

حزب سیاسی، مرکب از گروهی از شهروندان کم و بیش سازمان یافته است که چونان یک واحد سیاسی عمل می کنند و با استفاده از حق رأی خود می خواهند بر حکومت تسلط یافته و سیاست های عمومی خود را عملی سازند. حزب سیاسی گروه سازمان یافته شهروندانی هستند که دارای نظریات سیاسی مشترک بوده و به مثابه یک واحد سیاسی، با عمل خود می کوشند بر حکومت تسلط یابند (عالم، ۱۳۷۳: ۳۴۴).

دیوید اپتر ۳ معتقد است، «احزاب سیاسی در جریان نو سازی همه جوامع معاصر، چنان

۱. Verbakont

۲. Abramson

۳. Apter

نیروی مهمی را تشکیل می‌دهند که الگوی ویژه نوسازی هر کشور را کاملاً احزاب آن تعیین می‌کنند» (آپتر، ۱۹۶۵: ۱۷۵).

لاپالومبارا در تعریف حزب می‌گوید: «گروهی که از دوام سازمانی برخوردار بوده، دارای سازمان دائمی و علنی در سطح محلی و ارتباط بین سطوح ملی و محلی باشد، و در این سازمان تصمیم آگاهانه رهبران ملی و محلی مبنی بر کسب و نگهداری قدرت تصمیم‌گیری، چه به تنهایی و چه در یک ائتلاف وجود داشته و سازمان نسبت به کسب آراء یا پشتیبانی مردم عنایت بورزد» (لاپالومبارا، ۱۹۶۹: ۶).

ماکس وبر ۲ مشخصاً به قومیت توجه کرد و آن را گونه‌ای از گروه‌های منزلتی، مجموعه محاصره شده اجتماعی، نوعی سازماندهی اجتماعی و مبنایی برای بسیج سیاسی می‌داند. از نظر وبر بنیان قومیت باور جمعی به نیای مشترک است که به شواهدی از مشابهت‌های فیزیکی یا فرهنگی متکی است (ملشوایچ، ۲۰۰۶: ۱۶).

۲-۳. عوامل مؤثر در مشارکت سیاسی

به اعتقاد اولسون عوامل زیر بر مشارکت متعارف تأثیرگذار می‌باشند: بی‌علاقگی یا بی‌اعتمادی سیاسی؛ عدم علاقه در امور سیاسی؛ تأثیرگذاری سیاسی؛ اثرگذاری سیاسی اعتقاد به ایجاد تغییر و دگرگونی در حوزه سیاسی. زمانی مردم در یک انتخابات بیشتر شرکت می‌کنند که آرای خود را در نتیجه انتخابات با ارزش و مؤثر ارزیابی نمایند؛ گسترش منابع سیاسی: توانایی افراد یا گروه‌هایی که می‌توانند در فرایندهای سیاسی مؤثر باشد. این منابع شامل پول، زمان، مهارت ارتباطی و تمایزهای شخصی است. معمولاً زنان و اقلیت‌ها کمتر از این منابع استفاده می‌کنند؛ جامعه‌پذیری سیاسی: بعضی از مردم در شرایطی اجتماعی شده‌اند که گرایش بیشتری به مشارکت در امور سیاسی دارند؛ وسایل ارتباط جمعی: وسایل ارتباط جمعی با پوشش حمایتی خود از نامزدها، شهروندان را به مشارکت ترغیب می‌کند.

از نظر اولسون عوامل دیگری نیز می‌تواند بر مشارکت تأثیر داشته باشند: آسانتر شدن مشارکت، افزایش تحصیلات مردم و درک آنها از اهمیت مشارکت، رفع موانع قانونی

۱. Lapalombara

۲. Maxweber

۳. Malesevic

(محرومیت از رأی دادن و افزایش مشارکت اقلیت‌ها)، بی‌اعتمادی به دولت (در صورتی که وقایع خاصی اتفاق بیفتند)، وجود برخی نامزدها که می‌توانند بر انگیزه مشارکت مردم مؤثر باشند (اولسون، ۲۰۰۵: ۳).

رویکرد دال نسبت به مشارکت سیاسی تلفیقی بوده به این صورت که از ترکیب متغیرهای روان‌شناختی و جامعه‌شناسی بهره گرفته است. دال در مقام پاسخ به این پرسش است که چرا هنوز بخش عمده‌ای از شهروندان در کشورهای دموکراتیک علی‌رغم وجود بسترها و شرایط مناسب، از درگیری و مشارکت در مسائل سیاسی، اجتناب می‌ورزند؟ او پاسخ خود را در قالب شش فرضیه مطرح می‌کند. به نظر وی احتمال مشارکت سیاسی افراد زمانی پایین می‌آید که: فرد مشارکت‌کننده منافع حاصل از مشارکت سیاسی خود را در مقایسه با منافع حاصل از فعالیت‌های دیگر کمتر ارزیابی می‌کند؛ تصور کند مشارکت او از اهمیت برخوردار نبوده و ارزش چندانی ندارد؛ تصور کند شرکت او در انتخابات نمی‌تواند در نتایج انتخابات تأثیری گذاشته و در آن تغییری ایجاد کند؛ تصور کند (اطمینان یابد) در صورتی که خودش مستقیماً در انتخابات شرکت نکند، نتایج رضایت بخش خواهد بود؛ تصور کند که از دانش و معلومات کافی برای تأثیرگذاری بر نتایج انتخابات برخوردار نیست؛ تصور کند موانع و محدودیت‌های موجود بر سر راه مشارکت او بیشتر است (دال، ۱۳۷۴: ۹۴-۹۵).

پژوه‌شنگرانی نظیر برادول، جنسیت، منطقه سکونت، سن، تحصیلات، درآمد، نژاد، قومیت و دین را بر میزان مشارکت مؤثر می‌داند و بر مبنای تحقیقات خود، در پاسخ به این سوال که چرا مردم در امر سیاسی مشارکت می‌کنند. عواملی همچون: منافع شخصی، نیازهای روان‌شناختی و اهداف زندگی شخصی تهدید روان‌شناختی و فقدان مهارت در انجام فعالیت‌ها سیاسی مؤثر می‌داند. علاوه بر این موارد، ناامیدی و دل‌سردی از نتایج انتخابات، وجود نظام تک‌حزبی، تردید در مؤثر بودن در نتیجه انتخابات، عدم رقابت کاندیداها و عدم وجود کاندیدای رقیب، از عواملی است که بر میزان مشارکت افراد در امور سیاسی و به ویژه در انتخابات تأثیرگذار است (پرچمی، ۱۳۸۶: ۴۱).

علاوه بر موارد فوق، الگوهای تأثیرگذار در مشارکت سیاسی از جنبه جامعه‌شناختی، اقتصادسیاسی (انتخاب عقلایی) و روانشناسی نیز قابل بررسی است: رویکرد جامعه‌شناسانه، نشان داد که با مطالعه شرایط اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی افراد رای‌دهنده می‌توان جهت‌گیری سیاسی و در نتیجه رای‌دهی آنان را پیش‌بینی کرد. به عبارت دیگر، میان

شرایط اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی افراد و رای‌دهی آنان رابطه مستقیم وجود دارد. لازارسفلد تاکید دارد که فرد از نظر سیاسی آن گونه می‌اندیشد که از نظر اجتماعی در آن به سر می‌برد. عوامل اجتماعی تعیین‌کننده گرایش‌های سیاسی افراد است (ایوبی، ۱۳۷۷: ۶۶). آنتونی داونز پیشگام در کاربرد نظریه انتخاب عقلایی در رفتار انتخاباتی و رقابت‌های حزبی بود. بر اساس مطالعه او، آراء فردی برای حزب اگر به قدرت دست یابد، دارای بالاترین فایده است. تصور چنین است که انگیزه احزاب صرفاً رسیدن به قدرت است و بدین علت با تغییر در خط مشی‌های سیاسی خود برای به دست آوردن رأی به رقابت می‌پردازند (داونز، ۱۹۵۷). در این رویکرد، رأی دهنده‌ها، از میان برنامه‌هایی که توسط کاندیداهای انتخاباتی اعلام شده، هر کدام را که تأمین‌کننده منافع رأی دهنده‌گان باشد، انتخاب می‌نمایند.

دیدگاه روانی سیاسی تحلیل رفتار انتخاباتی در ذیل مکتب شیکاگو طبقه‌بندی شده است. از دید مکتب شیکاگو ویژگی‌های رأی دهنده، گروهی که بدان تعلق دارد، و ویژگی‌هایی که فرد به افراد و گروه‌های سیاسی حاضر در میدان سیاست منسوب می‌کند و انباشته‌ای از تجربه گذشته فرد در میدان سیاسی تعیین‌کننده رفتار رأی‌دهی است. به این ترتیب، تجربه شرکت در انتخابات قبلی و احساسی که از نتیجه این مشارکت‌ها حاصل شده است، به علاوه ارزیابی نگرشی‌ای که درباره نظام سیاسی و عملکرد آن و نخبگان آن دارند، رفتار رأی‌دهی را تعیین می‌بخشد (بشیریه، ۱۳۹۶: ۸-۲۰).

این مکتب به شدت بر اندازه‌گیری نگرش‌های سیاسی تأکید دارد. برای درک نگرش‌ها نیز به ادراکات، تجربه گذشته و انگیزه‌های کلی کنش‌گر سیاسی توجه دارد. بر طبق این دیدگاه مجموعه نیروهای اجتماعی و سیاسی در درون فضای سیاسی تعیین‌کننده کنش رأی‌دهی هستند. رأی دهنده، کاندیداها و ویژگی‌های خاص آنها از قبیل وابستگی حزبی، قومی و قبیله‌ای، و نظرات کاندیداها در باب مسائل مختلف، نیازمندی‌های درونی فرد، و تجربه گذشته در میدان سیاسی مجموعه عناصر فضای سیاسی هستند.

۲-۴. مدل‌های ترکیبی مشارکت سیاسی: مجرای سازمانی و مجرای تحرک

اجتماعی

تنوع عوامل و مولفه‌های تاثیرگذار بر رای‌دهی، گرایش پژوهشگران به مدل‌ها و نظریه‌های ترکیبی در تبیین نظری مشارکت سیاسی را در پی داشته است. بنابراین مدل مایر و پاسکال، مدل ویلیام میلر، پپانوریس (عبداله، ۱۳۸۸: ۸۷-۱۰۴)، نظریه‌های هانتینگتن و

نلسون و نظریه‌های تاثیر احزاب؛ اپتر، لاپالمبارا و وبر در توضیح و تحلیل بسیاری از نمونه‌های موردی مشارکت سیاسی در کشورها به عنوان مدل نظری مورد استفاده قرار گرفته است. بخش‌هایی از مدل‌ها و نظریه‌های فوق در راستای فرضیه این پژوهش و به عنوان پشتوانه نظری مقاله و هم راستا با داده‌های کمی در تائید ادعای پژوهش مورد استفاده قرار گرفت.

به نظر ماير و پاسکال رای‌دهی نتیجه محاسبات عقلانی رای‌دهنده و شرایط انتخابات و شرایط اجتماعی و فرهنگی و محیطی است؛ رفتار رای‌دهی متأثر از موقعیت‌های عینی همچون: سن، جنس، درآمد، وطن، خاستگاه اجتماعی و محل تولد به علاوه موقعیت‌های پیشین موقعیت که یا ذهنی است مثل هویت مذهبی، آگاهی اجتماعی و ارزش‌های سیاسی و یا سیاسی است مانند راست و چپ و ترجیح احزاب مختلف مجموعاً در غالب تقاضا (درون داد سیستم) ظاهر می‌شوند، می‌باشد. علاوه بر این رای‌دهندگان در درون نظامی قرار دارند که استراتژی‌های انتخاباتی مانند اوضاع و احوال حاکم بر انتخابات مثل تبلیغات، نظام انتخاباتی، وضعیت نامزد و حزب بر آن و همچنین مسایل زمانی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و منطقه‌ای و بین‌المللی بر آن تاثیر دارد. برون داد این سیستم که به صورت رفتار رای‌دهندگان تجلی پیدا می‌کند از عوامل یاد شده تاثیر پذیرفته است. نتیجه اینکه در روندی عقلانی، گرایش‌ها و ظرفیت‌های بالقوه رای‌دهندگان با توجه به شرایط خاص انتخابات به فعلیت می‌رسد.

مدل میلر بر شش عنصر تاکید دارد: ۱. بافت اجتماعی (مدل جامعه شناختی) که مشتمل است بر طبقه، جنس، سن، مذهب، منطقه جغرافیایی و عواملی مانند مشخصه‌های اجتماعی و نگرش‌های سیاسی خانواده، همسایگان، همکاران و دوستان رای‌دهندگان؛ ۲. تعلق خاطر حزبی: این مورد مفهومی اساسی است در بیشتر مدل‌های متعارف مربوط به رفتار رای‌دهندگان است. تعلق خاطر حزبی به مفهوم احساس وابستگی یا تعلق خاطر رای‌دهنده به یکی از احزاب سیاسی است یا به معنای میزانی که رای‌دهنده حامی یک حزب است نه ناظر بی‌اعتنا در رقابت‌های میان احزاب. تعلق خاطر حزبی دو جنبه متمایز دارد: جهت‌گیری نسبت به احزاب و میزان حمایت و دل‌بستگی که رای‌دهندگان به احزاب دارند. ترجیحات رای‌دهندگان در انتخابات صرفاً حاکی از جهت‌گیری نسبت به احزاب است درحالی‌که مفهوم تعلق خاطر حزبی از این جهت اهمیت دارد که ما را به میزان طرفداری رای‌دهندگان از احزاب توجه می‌دهد؛ ۳. نگرش‌ها؛ ۴. اوضاع و احوال حاکم بر انتخابات؛ ۵. وضع

رسانه‌ها؛ ۶. اعمال احزاب و دولت حاکم.

در مدل پیمانوریس از سه دسته نظریات کلان، متوسط و خرد در تبیین مشارکت سیاسی نام برده می‌شود. در سطح کلان دو مجموعه از نظریات مطرح گردیده است. گروه اول از نظریات کلان بر این امر تاکید می‌کند که ساختار دولت در یک جامعه، تعیین‌کننده نوع و سطح مشارکت شهروندان است. منظور از ساختار دولت به طور عام: ساختارهای قانون اساسی، نظام حزبی، قوانین و نظام انتخاباتی و نظایر آن است که در سطح کلان در یک جامعه بر مشارکت تاثیر می‌گذارد و می‌تواند تبیین‌کننده تفاوت‌ها بین جوامع مختلف باشد. دسته دیگر از نظریات کلان بر این نکته پافشاری می‌کند که فرایند مدرنیزاسیون باعث تغییر جنبه‌های مختلف حیات جوامع گشته و در عرصه سیاست سبک جدیدی از سیاست مبتنی بر مشارکت را به همراه آورده است. برخی از این تحولات عبارت‌اند از: ارتقای سطح زندگی، رشد بخش خدمات، افزایش سطح سواد و فرصت‌های آموزشی، تغییر مناسبات اقتصادی از سنتی (کشاورزی و دامداری) به مدرن (صنعتی) و گسترش طبقه متوسط، تخصصی شدن حرفه‌های مختلف، افزایش دسترسی به رسانه‌های جمعی دیداری، شنیداری و مکتوب، رشد دیوان سالاری، تغییر خانواده‌های گسترده به خانواده‌های هسته‌ای و افزایش ورود زنان به بازار کار. بروز این تحولات در سطح فردی را می‌توان در تغییر ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای افراد، از جمله در حوزه سیاست مشاهده نمود (عبدالله ۱۳۸۸: ۱۰۱).

در سطح میانی، نظریات مختلفی ارائه گردیده است که از آن تحت عناوینی چون نظریات سازمانی یا نظریات عوامل یا کارگزاران بسیج یاد می‌شود. این اعتقاد وجود دارد که در تبیین مشارکت سیاسی شهروندان باید توجه بیشتری به نقش عوامل بسیج اجتماعی و سیاسی و شبکه‌های اجتماعی در فعال سازی و بسیج شهروندان مبذول داشت. مهم‌ترین عوامل و کارگزاران بسیج عبارت‌اند از؛ احزاب سیاسی، اتحادیه‌های کارگری و صنفی، کلیساها و مراکز مذهبی، انجمن‌های داوطلبانه و رسانه‌های خبری. بر اساس این نظریات، تفاوت‌هایی که در نوع و سطح مشارکت سیاسی در کشورهای دارای نظام‌های دموکراتیک مشابه دیده می‌شود، بر اساس میزان نقش‌آفرینی کارگزاران بسیج اجتماعی و سیاسی قابل تبیین است.

در سطح خرد، نظریات متنوعی ارائه گردیده است که می‌توان این نظریات را در سه گروه تحت عناوین نظریه منابع، نظریه انگیزش و نظریه ویژگی‌های جمعیت شناختی،

دسته‌بندی کرد. در نظریه منابع این عقیده مطرح است که افراد برخوردار از منابع بیشتر سطوح بالاتری از مشارکت را از خود نشان می‌دهند. این منابع ممکن است مادی یا معنوی باشد، اما هرچه میزان منابع در اختیار افراد افزایش یابد، امکان مشارکت آنان نیز افزایش پیدا می‌کند. از مهم‌ترین منابع تاثیرگذار بر مشارکت می‌توان به تحصیلات، درآمد، زمان آزاد و ارتباطات و مهارت‌های سازمانی اشاره کرد.

در نظریه انگیزش اعتقاد بر این است که هر چند وجود منابع باعث تسهیل مشارکت شهروندان می‌شود، اما در صورتی که شهروندان از انگیزه‌ی لازم برای مشارکت برخوردار نباشند، به این کار مبادرت نمی‌ورزند. عوامل انگیزش متفاوت است و ممکن است دامنه‌ی آن از انگیزه‌های مادی تا انگیزه‌های ارزشی و نگرشی را در برگیرد. صاحب‌نظران به طیف متنوعی از انگیزه‌های غیرمادی اشاره کرده‌اند که مهم‌ترین موارد آن عبارت‌اند از: علاقه به سیاست، احساس اثربخشی، احساس وظیفه (مدنی، ملی یا دینی)، اعتماد سیاسی و ارزش‌های سیاسی افراد. اگر فرد به سیاست علاقه وافر داشته باشد یا احساس کند که می‌تواند با رای دادن یا مشارکت در سیاست، تاثیرگذار باشد یا این کار را وظیفه‌ی مدنی یا دینی خود بداند و همچنین اگر به ارزش‌های موافق نظام حاکم یا ارزش‌های ترویج‌کننده‌ی اصل مشارکت اعتقاد داشته باشد، احتمال مشارکت وی افزایش می‌یابد.

نظریه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی معتقد است که مهم‌ترین عامل تاثیرگذار بر مشارکت افراد، خصوصیات فردی و جمعیت‌شناختی آنان مانند سن، جنسیت، نژاد، محل زندگی و نظایر آن است. البته گاهی از این نظریه با عنوان «نظریه‌ی ویژگی‌های فردی» نیز یاد می‌شود و در برگیرنده‌ی برخی از متغیرهای دیگر نظیر تحصیلات و درآمد می‌باشد که ما در نظریه‌ی منابع به آن‌ها اشاره کردیم. برای مثال، تحقیقات در دموکراسی‌های غربی نشان داده است که بزرگسالان بیش از جوانان مشارکت سیاسی دارند (به ویژه در اشکال سنتی آن)، مردان بیش از زنان و سفیدپوستان بیش از سیاه‌پوستان در سیاست مشارکت می‌کنند (عبدالله ۱۳۸۸: ۱۰۲).

گزاره‌هایی از مدل مایر و پاسکال که تاکید بر رای‌دهی متأثر از موقعیت‌ها، خاستگاه اجتماعی، هویت‌های محلی و ترجیحات حزبی دارند، تفاوت مشارکت سیاسی و رای‌دهی براساس تفاوت نقش احزاب در شهرهای بزرگ و هویت‌های محلی در شهرهای کوچک را نیز تبیین می‌کنند.

از شش عنصر میلر، دو عنصر بافت اجتماعی و تعلق حزبی تفاوت در رای‌دهی را

همراستا با فرضیه این پژوهش تبیین می‌کنند؛ تاکید بر عوامل اجتماعی، منطقه جغرافیایی و عواملی مانند مشخصه‌های اجتماعی و نگرش‌های سیاسی خانواده، همسایگان، همکاران و دوستان رای دهندگان، تفاوت نگاهی حزبی در مناطق جغرافیایی بزرگتر و غلبه هویت‌های محلی در شهرها و مناطق جغرافیایی کوچک‌تر را به طور ضمنی در خود دارد و تاکید بر تعلق خاطر حزبی و رای دهی براساس تعلق حزبی تبیین‌گر مشارکت سیاسی بر مبنای تاثیرپذیری از احزاب سیاسی است.

در مدل پیمانورس در سه سطح فوق ارتباط گزاره‌های این مدل با فرضیه پژوهش قابل ارزیابی و تطبیق است. در سطح کلان تاکید بر نظام حزبی و تاثیرگذاری آن و فرایند مدرنیزاسیون؛ تفاوت محیط‌ها و مناطقی که تاثیرپذیری بیشتری از مدرنیزاسیون و نظام حزبی داشته اند با مناطق کم‌تر برخوردار از نظر این دو مولفه، نوع مشارکت سیاسی متفاوت را به خوبی نشان می‌دهد. در سطح میانی تفاوت در عوامل و کارگزاران بسیج سیاسی (احزاب یا هویت‌ها و نخبگان محلی و قومی) تفاوت در مشارکت سیاسی را ترسیم می‌کنند. در سطح خرد ویژگی‌های جمعیت شناختی به ویژه عوامل مرتبط با محیط و محل زندگی هم راستا با فرضیه مقاله تفاوت مشارکت سیاسی و نقش متفاوت احزاب و عناصر محلی و قومی را برجسته می‌سازد.

نظریه‌های هانتینگتن و نلسون با تاکید بر عوامل موثر بر مشارکت سیاسی که هماهنگ با فرضیه پژوهش است: تاثیر مجرای سازمانی (احزاب و جریان‌های سیاسی) و مجرای تحریک اجتماعی (نقش نخبگان و ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی و در اینجا عوامل قومی - قبیله‌ای و محلی) و نظریه‌هایی که تاکید بر نقش احزاب در مشارکت سیاسی دارند (اپتر، لاپالومبارا و وبر) به عنوان پشتوانه نظری و در ارتباط با داده‌های کمی مورد استفاده پژوهش قرار می‌گیرند.

بنابراین با توجه به مطالب و مدل نظری فوق، هدف اصلی این پژوهش بررسی مقایسه‌ای مشارکت سیاسی مردم شهر کاشمر در انتخابات مجلس شورای اسلامی و شورای شهر است. شهر کاشمر با مساحت تقریبی ۳۳۴۹ هکتار به عنوان یکی از شهرستان‌های استان خراسان رضوی که در جنوب غربی مشهد و از شمال به نیشابور و سبزوار، از مشرق به تربت حیدریه، از جنوب به فیض آباد و خلیل آباد و از مغرب به بردسکن و خلیل آباد محدود می‌شود (سعادت‌مند، ۱۳۸۷: ۳۵).

۳. روش تحقیق

جامعه آماری این پژوهش کلیه شهروندان ساکن شهر کاشمر که در سن رأی دادن می باشند و تعداد تقریبی آن‌ها ۵۰۰۰۰ نفر می باشند. روش‌های گردآوری اطلاعات به دودسته ی کتابخانه‌ای و میدانی قابل تقسیم بندی است. در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات از روش اسنادی و کتابخانه‌ای و مصاحبه میدانی، توزیع پرسشنامه و مصاحبه با اعضای جامعه آماری استفاده شده است.

ابزارها و روش‌های متعددی برای گردآوری داده‌ها وجود دارد که در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه‌ی محقق ساخته ۴۰ سؤالی استفاده گردید. بازه تکمیل پرسشنامه‌ها پس از ششمین انتخابات دوره شورای اسلامی شهر وروستا و دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی است. بر این اساس از جامعه آماری فوق درباره شش دوره شوراهای اسلامی شهر و روستا و ده دوره مجلس شورای اسلامی و میزان مشارکت در آنها سوال شده است. پرسشنامه موصوف شامل دو بخش می باشد؛ بخش اول شامل سؤالات مربوط به اطلاعات فردی پاسخ‌دهندگان و بخش دوم شامل سؤالات مربوط به بررسی مشارکت سیاسی مردم کاشمر در انتخابات مجلس شورای اسلامی و شورای شهر می باشد که شامل متغیرهای مشارکت سیاسی، سؤالات مربوط به مجلس شورای اسلامی و شورای اسلامی است. مقایسه و پرسش‌های مقایسه‌ای براساس دو محور و شاخص‌های آن؛ احزاب (عضویت در احزاب، هواداری احزاب) و هویت محلی و قومی (تاثیرپذیری و ارتباط با افراد متنفذ، تاثیرپذیری و ارتباط با هویت‌های خانوادگی، محلی و قومی) صورت گرفت. نمره دهی در این پرسشنامه بر اساس مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت کاملاً مخالفم، ۱؛ کمی مخالفم ۲؛ نظری ندارم، ۳؛ کمی موافقم، ۴؛ کاملاً موافقم، ۵ می باشد.

به منظور تعیین پایایی پرسشنامه‌ها، تعداد ۳۰ عدد پرسشنامه بین جامعه آماری توزیع شد و مقدار آلفای کرونباخ با استفاده از نرم افزار SPSS، برای پرسشنامه محاسبه گردید. با هدف تعیین روایی پس از تدوین چهارچوب اولیه، جهت ارزیابی پرسشنامه تحقیق، با چند تن از اساتید، خبرگان و کارشناسان مربوطه مشورت به عمل آمده، نظرات انتقادی و پیشنهادهای اصلاحی آنان در پرسشنامه اعمال گردید.

در این پژوهش از دو روش آمار توصیفی برای تحلیل اطلاعات جمعیت شناختی و آمار

استنباطی برای آزمون فرضیات استفاده شده است. آمار توصیفی شامل جداول فراوانی، درصد، میانگین‌ها و انحراف معیار می‌باشد و در سطح استنباطی به منظور آزمون فرضیه‌ها از آزمون‌های کولموگروف اسمیرنوف^۱، تی تک نمونه‌ای^۲ و همبستگی پیرسون^۳ استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل و به کارگیری آزمون‌های فوق از نرم افزار SPSS۱۸ استفاده شده است.

۴. آمار توصیفی؛ توصیف و تبیین شاخص‌های مجرای سازمانی و مجرای تحرک اجتماعی

پرسشنامه خودساخته با توجه به فرضیه‌های پژوهش، مدل نظری و شاخصه‌های موصوف تنظیم گردید. پرسشهای اطلاعات فردی (۴ پرسش)، پرسشهای مرتبط با مشارکت سیاسی به طور عام (۴ پرسش)، پرسش‌های مربوط به شورای شهر و شاخص‌های مجرای سازمانی و مجرای تحرک اجتماعی (۱۲ پرسش) و پرسش‌های مربوط به مجلس شورای اسلامی و شاخص‌های مجرای سازمانی و مجرای تحرک اجتماعی (۱۲ پرسش) و اساسی‌ترین پرسش‌ها در خصوص فرضیه‌ها و جمع‌آوری داده‌ها در خصوص پیوند متغیرهای پژوهش از مشارکت کنندگان سوال شده است. در این بخش به بررسی توصیفی اطلاعات مربوط به مشخصات فردی پاسخ دهندگان یعنی سن، تحصیلات و همچنین اطلاعات توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش و سؤالات پرسشنامه با تمرکز بر شاخص‌های مجرای سازمانی (احزاب) و مجرای تحرک اجتماعی (هویت محلی و قومی) متناسب با مدل نظری پژوهش، پرداخته می‌شود.

سن پاسخ دهندگان: آمار توصیفی مربوط به سن پاسخ دهندگان در نمونه‌ی مورد بررسی، سن اکثر پاسخ دهندگان بین ۴۸ تا ۵۷ سال (۲۴/۶ درصد) می‌باشند.

میزان تحصیلات پاسخ دهندگان: میزان تحصیلات اکثر پاسخ دهندگان دیپلم (۳۲/۵ درصد) می‌باشند.

چند نوبت در انتخابات مجلس شورای اسلامی شرکت کرده‌اید؟:

1. Kolmogorov-Smirnov Test

2. One Sample T Test

3. Pearson Correlation

آماره‌های توصیفی مربوط به نوبت شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی شامل مینیمم، ماکسیمم، میانگین و انحراف معیار، ارائه شده است. از بین ۳۸۲ نفر پاسخ دهنده، مینیمم و ماکسیمم نوبت شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی به ترتیب ۱ و ۱۰ و میانگین آن برابر با ۵/۱۱ نوبت می‌باشد.

چند نوبت در انتخابات شورای شهر شرکت کرده‌اید؟: از بین ۳۸۲ نفر پاسخ دهنده، مینیمم و ماکسیمم نوبت شرکت در انتخابات شورای شهر پاسخ دهندگان به ترتیب ۱ و ۴ و میانگین آن برابر با ۲/۹۵ نوبت می‌باشد.

آیا عضو احزاب سیاسی کشور هستید؟: در نمونه‌ی مورد بررسی اکثر پاسخ دهندگان عضو احزاب سیاسی کشور نمی‌باشند (۹۱/۶ درصد).

آیا هوادار احزاب سیاسی کشور هستید؟: بر اساس جدول ۷ و نمودار ۸ مشاهده می‌شود که در نمونه‌ی مورد بررسی اکثر پاسخ دهندگان هوادار احزاب سیاسی کشور نمی‌باشند (۵۳/۹ درصد).

در هفته چند ساعت برای مسائل سیاسی وقت می‌گذارید؟: اکثر پاسخ دهندگان کمتر از سه ساعت در هفته برای مسائل سیاسی وقت می‌گذارند (۶۷/۸ درصد).

۴-۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش: در جدول ۱ و نمودار ۱، آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش، ارائه شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود میانگین مشارکت سیاسی، سؤالات مربوط به مجلس شورای اسلامی، سؤالات مربوط به شورای اسلامی به ترتیب برابر با ۳/۱۶، ۳/۱۰ و ۳/۲۶ می‌باشد.

جدول ۱: آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش (۳۸۲ = تعداد)

متغیر	مینیمم	ماکسیمم	میانگین	انحراف معیار
مشارکت سیاسی	۲/۲۵	۴/۵۰	۳/۱۶	۰/۴۴
سؤالات مربوط به مجلس شورای اسلامی	۱/۹۴	۴/۷۲	۳/۱۰	۰/۵۲
سؤالات مربوط به شورای اسلامی	۲/۰۶	۴/۷۲	۳/۲۶	۰/۴۹

۴-۲. آزمون نرمال بودن

نتایج آزمون کلموگروف اسمیرنوف در جدول ۲ نشان داده شده است. با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون (Sig) در تمام متغیرها بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد، ادعای نرمال بودن داده‌ها پذیرفته شده و تمامی متغیرها دارای توزیع نرمال می‌باشند بنابراین می‌توان جهت بررسی فرضیه‌های پژوهش از روش‌های پارامتری استفاده نمود.

جدول ۳: نتایج آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف (حجم نمونه = ۳۸۲)

متغیر	آماره Z کولموگوروف اسمیرنوف	سطح معناداری (Sig)	نتیجه آزمون
مشارکت سیاسی	۰/۱۸۷	۰/۴۳۲	نرمال است
سؤالات مربوط به مجلس شورای اسلامی	۰/۹۶۵	۰/۳۱۰	نرمال است
سؤالات مربوط به شورای اسلامی	۰/۸۴۱	۰/۴۷۹	نرمال است

۵. بررسی فرضیه‌ها

میان مشارکت سیاسی مردم شهر کاشمر در انتخابات مجلس شورای اسلامی و شورای شهر، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳: نتایج آزمون همبستگی پیرسون

سن	ضریب همبستگی	سطح معناداری (Sig)	تعداد
	۰/۸۵۳	۰/۰۰۱	۳۸۲
مشارکت			

بر اساس جدول فوق، ضریب همبستگی پیرسون میان مشارکت سیاسی مردم شهر کاشمر در انتخابات مجلس شورای اسلامی و شورای شهر برابر با ۰/۸۵۳ می‌باشد و مقداری مثبت است. همچنین سطح معناداری آزمون برابر با ۰/۰۰۱ است که از ۰/۰۵ کمتر می‌باشد

($0.05 < \text{Sig} = 0.000$) بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه صفر (H_0) رد می‌شود و می‌توان گفت میان مشارکت سیاسی مردم شهر کاشمر در انتخابات مجلس شورای اسلامی و شورای شهر ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد و بدین ترتیب رابطه خطی و ضریب همبستگی مشارکت سیاسی مردم شهر کاشمر در مجلس شورای اسلامی و شورای شهر بالا بوده است و فرضیه‌ی اصلی پژوهش تأیید می‌گردد.

۱-۵. بررسی فرضیه‌های فرعی

- **بررسی فرضیه فرعی اول:** مشارکت سیاسی مردم شهر کاشمر در انتخابات مجلس شورای اسلامی تحت تأثیر احزاب می‌باشد. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای برای فرضیه فرعی اول در جدول ۴ مشاهده می‌شود.

جدول ۴: نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای برای فرضیه فرعی اول در مقایسه با عدد ۳

فرضیه اول	تعداد	میانگین	آماره t	درجه آزادی	اختلاف میانگین	سطح معنی داری (sig)
	۳۸۲	۳/۱۰	۳/۶۷۲	۳۸۱	۰/۱۰	۰/۰۰۰

با توجه به جدول ۴ مشاهده می‌شود که متوسط نظر پاسخ دهندگان نسبت به سؤالات مطرح شده مربوط به تأثیر احزابی مشارکت سیاسی مردم شهر کاشمر در انتخابات مجلس شورای اسلامی برابر با ۳/۱۰ است که از میانگین فرضی ($\mu=3$) بزرگ‌تر می‌باشد. مقدار $\frac{\text{sig}}{2}$ برابر با ۰/۰۰۰ است که از ۰/۰۵ کمتر می‌باشد و همچنین مقدار آماره t برابر با ۳/۶۷۲ بوده که مقداری مثبت می‌باشد بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه صفر آمار (H_0) رد می‌شود و می‌توان گفت مشارکت سیاسی مردم شهر کاشمر در انتخابات مجلس شورای اسلامی تحت تأثیر احزاب می‌باشد و فرضیه‌ی فرعی اول پژوهش تأیید می‌گردد.

- **بررسی فرضیه فرعی دوم:** مشارکت سیاسی مردم شهر کاشمر در انتخابات شورای شهر تحت تأثیر مسائل قومی و روابط قبیله‌ای و محلی است. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای برای فرضیه فرعی دوم در جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵: نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای برای فرضیه فرعی دوم در مقایسه با عدد ۳

فرضیه	تعداد	میانگین	آماره t	درجه آزادی	اختلاف میانگین	سطح معنی داری (sig)
دوم	۳۸۲	۳/۲۶	۱۰/۴۳۳	۳۸۱	۰/۲۶	۰/۰۰۰

با توجه به جدول ۵ مشاهده می‌شود که متوسط نظر پاسخ دهندگان نسبت به سؤالات مطرح شده مربوط به تأثیر مسائل قومی و روابط قبیله‌ای و محلی در مشارکت سیاسی مردم شهر کاشمر در انتخابات شورای شهر برابر با ۳/۲۶ است که از میانگین فرضی ($\mu=3$) بزرگ‌تر می‌باشد. مقدار $\frac{sig}{7}$ برابر با ۰/۰۰۰ است که از ۰/۰۵ کمتر می‌باشد و همچنین مقدار آماره t برابر با ۶۵/۲۷ بوده که مقداری مثبت می‌باشد بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه صفر آماری (H_0) رد می‌شود و می‌توان گفت مشارکت سیاسی مردم شهر کاشمر در انتخابات شورای شهر تحت تأثیر مسائل قومی و روابط قبیله‌ای و محلی می‌باشد و فرضیه‌ی فرعی دوم پژوهش تأیید می‌گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

به پشتوانه نظری و مدل نظری پژوهش (ترکیب گزاره‌هایی از مدل مایر و پاسکال، مدل میلر، الگوی پیمانورس، نظریه هانتینگتن و نلسون و نظریه‌های نقش احزاب در مشارکت سیاسی) و بررسی و ارزیابی فرضیه‌های پژوهش نتایج زیر به استناد داده‌های جمع‌آوری شده و تحلیل آنها، به دست آمد. در راستای هدف نتیجه‌گیری، نتایج بدست آمده با نتایج تحقیقات پیشین مورد بررسی و مقایسه قرار می‌گیرد.

نتایج آزمون فرضیه اصلی

میان مشارکت سیاسی مردم شهر کاشمر در ده دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی و شش دوره شورای شهر تا ۱۳۹۶، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بدین ترتیب که رابطه خطی و ضریب همبستگی مشارکت سیاسی مردم شهر کاشمر در انتخابات مجلس شورای اسلامی و شورای شهر بالا بوده و نتایج این فرضیه مطابق مبانی نظری پژوهش بوده ولی تحقیقات مشابهی برای مقایسه در این زمینه یافت نشد.

نتایج آزمون فرضیه فرعی

نتایج آزمون فرضیه فرعی اول: مشارکت سیاسی مردم شهر کاشمر در ده دوره مورد بررسی انتخابات مجلس شورای اسلامی تحت تأثیر احزاب می‌باشد. آزمون فرضیه انجام شده در این تحقیق نشان می‌دهد که مشارکت سیاسی مردم شهر کاشمر در انتخابات مجلس شورای اسلامی در دوره‌های مورد بررسی تحت تأثیر احزاب می‌باشد و این فرضیه مورد تأیید قرار گرفته است. در ادامه افرادی که در این راستا پژوهش‌هایی انجام داده‌اند، مشخص شده است. هانتینگتون عضویت فرد در انواع گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی مانند اتحادیه‌های شغلی و صنفی، گروه‌های مدافع، علایق خاص و غیره است که احتمال مشارکت در فعالیت سیاسی و اجتماعی را بیشتر می‌کند. لیست افرادی که عضو سازمان هستند بیش از افرادی که عضویت ندارند مشارکت سیاسی دارند. بنابراین پیوند میان مجرای سازمانی (احزاب) و تأثیر آن بر مشارکت سیاسی به عنوان مدل نظری و تأثیر احزاب در افزایش مشارکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی کاشمر برقرار گردید.

نتایج آزمون فرضیه فرعی دوم: مشارکت سیاسی مردم شهر کاشمر در شش دوره انتخابات شورای شهر تحت تأثیر مسائل قومی و روابط قبیله‌ای و محلی است. آزمون فرضیه انجام شده در این تحقیق نشان می‌دهد که مشارکت سیاسی مردم شهر کاشمر در انتخابات شورای شهر در دوره‌های مورد بررسی تحت تأثیر مسائل قومی و روابط قبیله‌ای و محلی است و این فرضیه مورد تأیید قرار گرفته است. پژوهش‌ها و مدل‌های نظری مایر و پاسکال، میلر، پپانوریس و هانتینگتن و نلسون تفاوت دو نوع مشارکت سیاسی را با بررسی علل آن و تأکید بر عوامل موثر بر تأثیرگذاری احزاب بر رای دهی و عناصر و ویژگی‌های محلی و قومی و نقش این مولفه‌ها در رای دهی نشان داده‌اند. بنابراین داده‌های آماری با تحلیل توصیفی و نظری تکمیل گردید. در ارزیابی این فرضیه نیز نقش مجرای تحرک اجتماعی (هویت محلی و قومی) در افزایش مشارکت (به عنوان بخشی از مدل نظری) در مورد تأثیر مسائل محلی و قومی کاشمر در مشارکت سیاسی در شورای شهر کاشمر نشان داده شد.

منابع و مآخذ:

- آبرامسون، پل (۱۳۸۳)، **مشارکت سیاسی**، ترجمه نسرین طباطبایی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- ابراهیمی کیایی، هادی؛ ابراهیمی، قربانعلی و بابا زاده بانی، علی (۱۳۹۷)، «مشارکت سیاسی و عوامل اجتماعی موثر بر آن (مطالعه تطبیقی دانشجویان و شهروندان)»، فصلنامه علمی - پژوهشی **رهیافت انقلاب اسلامی**، دوره ۱۲، شماره ۴۵.
- ایوبی، حجت‌الله (۱۳۷۷)، «شکاف‌های قومی و خشونت در پیکارهای سیاسی»، فصلنامه **مطالعات راهبردی**، پیش شماره اول.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۶)، **جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی**، تهران: نشر نی.
- پرچی، داوود (۱۳۸۶)، «بررسی مشارکت مردم در نهمین انتخابات ریاست جمهوری»، **پژوهشنامه علوم انسانی**، شماره ۵۳.
- دال، رابرت (۱۳۷۴)، **تجزیه و تحلیل جدید سیاست**، ترجمه حسن ظفریان، تهران: مترجم.
- راش، مایکل (۱۳۷۷)، **جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی**، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: سمت.
- ریبی، علی (۱۳۸۰)، **رفتارشناسی رای دهندگان در هفتمین انتخابات ریاست جمهوری**، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد امور فرهنگی، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی.
- رضایی، عبدالعلی (۱۳۷۵)، «مشارکت اجتماعی، وسیله یا هدف یا ابزار توسعه»، **فصلنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی**، شماره ۱۰۹ - ۱۱۰.
- رضایی، محمد؛ آذین، احمد و جعفری نژاد، مسعود (۱۳۹۶)، «بررسی رابطه میزان اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی از نظر دانشجویان دانشگاه مازندران»، فصلنامه علمی - پژوهشی **رهیافت انقلاب اسلامی**، سال یازدهم، شماره ۳۹.
- سعادت‌مند، ایرج (۱۳۸۷)، **کتاب‌توشیح: نگاهی به تاریخ و جغرافیای شهرستان کاشمر**، مشهد: ضریح آفتاب.
- سید امامی، کاووس (۱۳۸۶)، «مشارکت سیاسی دانشجویان: ارزیابی برخی از پیش‌بینی‌کننده‌های مشارکت سیاسی»، **پژوهشنامه علوم سیاسی**، شماره ۶.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۳)، **بنیادهای علم سیاست**، تهران: نی.
- عبدالله، عبدالمطلب (۱۳۸۸)، «سیری در نظریه‌های رفتار رای دهی»، فصلنامه **خط اول رهیافت انقلاب اسلامی**، سال سوم، شماره ۸، ۸۷-۱۰۴.
- کاظمی پور، شهلا (۱۳۸۳)، «نقش اجتماعی شدن سیاسی و عوامل اجتماعی کننده در زنان»، **مجموعه مقالات همایش بین‌المللی مشارکت سیاسی زنان در کشورهای اسلامی تهران**، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی و مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری.
- لیپست، مارتین و دوز، رابرت (۱۳۷۳)، **جامعه‌شناسی سیاسی**، ترجمه محمدحسین فرجاد، تهران: توس.
- مصفا، نسرین (۱۳۷۵)، **مشارکت سیاسی زنان در ایران**، تهران: وزارت امور خارجه.
- Apter, David (1965), **Politics of Modernization**, University of Chicago press.
- Barkan, S. E (1999), **Race, Issue Engagement and Political Participation, Race and Society**.
- Downs, A (1957), **An Economic Theory of Democracy**. New York: Harper & Row.
- Lapalombara (1969), **The Origins and Development of Political Parties: Political Party and Political Development**, London.
- Olson, Edward c (2005), **Political Participation**, [http://www.Angelo.edu/dept/Government/online %20 lectures.htm](http://www.Angelo.edu/dept/Government/online%20lectures.htm).
- Malesevic, Sinisa (2006), **Identity as Ideology: Understanding Ethnicity and Nationalism**, London: Palgrave.
- McClosky, H (1968), **Political Participation**, New York, Mcmillian Company ana Free Press.
- Mc Clurg, S. D (2001), **Social Networks and Political Participation**, Internet: Google Site.
- Robertson, D (1988), **The Penguin Dictionary of Politics**, Penguin Books, London.
- Sills, David (1969), **Internation Encyclopedia Of Social Sciences**, New York, Macmillan Company and the Free Press.
- Verbakont, S (1979), **An Introduction to American Government**, New York.